

# داستان

## تجدید بنای کعبه

در مقاله گذشته، راجع به تاریخ اجمالی از بنای کعبه و کیفیت ساختن آن بحث کردیم و سخن به اینجا منتهی شد که پیامبر «ص» حُجْر را در جایی که می‌بایست باشد قرار داد. و اینک به دنبال مطلب:

و چون خرج بنائش آنان را به ستوه آورده بود، بلندی آن را به همین مقدار که فعلاً هست گرفتند. و یک مقدار از زمین زیر بنای قبلی از طرف حجر اسماعیل خارج ماند و جزء حجر شد، چون بنا را کوچک‌تر از آنچه بود ساختند و این بنا همچنان برجای بود تا زمانی که عبدالله زبیر در عهد یزید بن معاویه (علیهما اللعنة والعذاب) مسلط بر حجاز شد و یزید سرداری بنام حصین به سرکوبش فرستاد، و در اثر جنگ و سنگهای بزرگی که لشکر یزید با منجنیق بطرف شهر مکه پرتاب می‌کردند، کعبه خراب شد و آتش هائیکه باز با منجنیق به سوی شهر می‌ریختند، پرده کعبه و قسمتی از چوبهایش را بسوزانید، بعد از آنکه با مردن یزید جنگ تمام شد، عبدالله بن زبیر به فکر افتاد، کعبه را خراب نموده بنای آن را تجدید کند، دستور داد گچی ممتاز از یمن آوردند، و آن را با گچ بنا نمود و حجر اسماعیل را جزء خانه کرد، و در کعبه را که قبلاً در بلندی قرار داشت، تا روی زمین پائین آورد. و در برابر در قدیمی، دری دیگر کار گذاشت. تا مردم

### درسهائی از تاریخ تحلیلی

#### بخش دوم

#### قسمت ششم

#### حجة الاسلام والمسلمین رسولی مصلانی

از یک در درآیند و از در دیگر خارج شوند و ارتفاع بیت را بیست و هفت ذراع (تقریباً سیزده متر و نیم) قرار داد و چون از بنایش فارغ شد، داخل و خارج آن را با مشک و عبیر معطر کرد، و آن را با جامه‌ای از ابریشم پوشانید، و در هفدهم رجب سال ۶۴ هجری از این کار فارغ گردید.

و بعد از آنکه عبدالملک مروان متولی امر خلافت شد، حجاج بن یوسف به فرمانده لشکرش دستور داد تا به جنگ عبدالله بن زبیر برود که لشکر حجاج بر عبدالله غلبه کرد و او را شکست داده و در آخر کشت و خود داخل بیت شد و عبدالملک را بد آنچه این زبیر کرده بود خبر داد. عبدالملک دستور داد، خانه‌ای را که عبدالله ساخته بود خراب نموده به شکل قبلی اش برگرداند.

حجاج دینوار کعبه را از طرف شمال شش ذراع و یک وجب خراب نموده و به اساس قریش رسید و بنای خود را از این سمت بر آن اساس نهاد، و باب شرقی کعبه را که ابن زبیر پائین آورده بود در همان جای قبلیش (تقریباً یک متر و نیم یا دو متر بلندتر از کف) قرار داد و باب غربی را که عبدالله اضافه کرده بود مسدود کرد آنگاه زمین کعبه را با سنگهایی که زیاد آمده بود فرش کرد. وضع کعبه بدین منوال باقی بود، تا آنکه سلطان سلیمان

عثمانی در سال نهصد و شصت روی کار آمد، سقف کعبه را تغییر داد. و چون در سال هزار و صد و بیست و یک هجری احمد عثمانی متولی امر خلافت گردید، مرمت‌هایی در کعبه انجام داد، و چون سیل عظیم سال هزار و سی و نه بعضی از دیوارهای سمت شمال و شرق و غرب آنرا خراب کرده بود، سلطان مراد چهارم، یکی از پادشاهان آل عثمان دستور داد آنرا ترمیم کردند.

### شکل کعبه

کعبه بنائی است تقریباً مربع، که از سنگ کبود رنگ و سختی ساخته شده، بلندی این بنا شانزده متر است، در حالی که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله خیلی از این کوتاها تر بوده، آنچه که از روایات فتح مکه بر می آید که: رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به دوش خود سوار کرد، و علی علیه السلام از شانه رسول خدا صلی الله علیه و آله توانست بر بام کعبه رفته، بت‌هایی را که در آنجا بود بشکند. ثابت کننده این مدعا است.

و طول ضلع شمالی آن که ناودان و حجر اسماعیل در آن سمت است، و همچنین ضلع جنوبی آن که مقابل ضلع شمالی است، ده متر و ده سانتی متر است و طول ضلع شرقی اش که باب کعبه در دومتري آن از زمین واقع شده، و ضلع رو برویش یعنی ضلع غربی دوازده متر است و حجر الاسود در ستون طرف دست چپ کسی که داخل خانه می شود قرار دارد. در حقیقت حجر الاسود در یک مترو نیمه از زمین مطاف، در ابتدای ضلع جنوبی واقع شده، و این حجر الاسود سنگی است سنگین و بیضی شکل و نتراشیده، رنگی سیاه متمایل به سرخی دارد. و در آن لکه‌هایی سرخ و رگه‌هایی زرد دیده می شود که اثر جوش خوردن خود بخودی ترکهای آن سنگ است.

و چهار گوشه کعبه از قدیم الایام، چهار رکن نامیده می شده: رکن شمالی را «رکن عراقی»، و رکن غربی را «رکن شامی»، و رکن جنوبی را «رکن یمنی»، و رکن شرقی را که حجر الاسود در آن قرار گرفته «رکن اسود» نامیدند، و مسافتی که بین در کعبه و حجر الاسود است «ملتزم» می نامند. چون زائر و طواف کننده خانه خدا، در دعا و استغاثه اش به این قسمت متوسل می شود. و اما ناودان که در دیوار شمالی واقع است، و آن را ناودان

رحمت می گویند چیزی است که حجاج بن یوسف آنرا احداث کرد. و بعدها سلطان سلیمان در سال ۹۵۴ آن را برداشت و به جایش ناودانی از نقره گذاشت. و سپس سلطان احمد در سال ۱۰۲۱ آن را به ناودان نقره‌ای مینیاتور شده مبدل کرد مینیائی کبود رنگ که در فواصلش نقشه‌هایی طلائی بکار رفته بود و در آخر سال ۱۲۷۳ سلطان عبدالمجید عثمانی آن را به ناودانی یک پارچه طلا مبدل کرد که هم اکنون موجود است.

و در مقابل این ناودان، دیواری قوسی قرار دارد که آن را حطیم می گویند، و حطیم نیم دایره‌ای است، جزء بنا که دوطرفش به زاویه شمالی (و شرقی و جنوبی) و غربی منتهی می شود. البته این دوطرف متصل به زاویه نامبرده نیست، بلکه نرسیده به آن دو قطع می شود. و از دو طرف، دو راهرو بطول دو متر و سی سانت را تشکیل می دهد. بلندی این دیوار قوسی یک متر و پهنایش یک متر و نیم است. و در طرف داخل آن سنگهای منقوشی به کار رفته. فاصله وسط این قوس از داخل با وسط دیوار کعبه هشت متر و چهل و چهار سانتی متر است.

فضائی که بین حطیم و بین دیوار است، حجر اسماعیل نامیده می شود. که تقریباً سه متر از آن در بنای ابراهیم علیه السلام داخل کعبه بوده، بعدها بیرون افتاده است. و به همین جهت در اسلام واجب شده است که طواف پیرامون حجر و کعبه انجام شود، تا همه کعبه زمان ابراهیم علیه السلام داخل در طواف واقع شود. و بقیه این فضا آغل گوسفندان اسماعیل و هاجر بوده، بعضی هم گفته اند: هاجر و اسماعیل در همین فضا دفن شده‌اند این بود وضع هدمی کعبه.

و اما تغییرات و ترمیم‌هایی که در آن صورت گرفته، و مراسم و تشریفات که در آن معمول بوده، چون مربوط به غرض تفسیری ما نیست، متعرضش نمی شویم.

### جامه کعبه

در سابق در روایاتی که در تفسیر سوره بقره در ذیل داستان هاجر و اسماعیل و آمدنشان به سرزمین مکه نقل کردیم، چنین داشت که هاجر بعد از ساخته شدن کعبه، پرده‌ای بر در آن آویخت.

و اما پسردهای کعبه به همه اطراف کعبه می آویزند، بطوری که گفته اند؛ اولین کسی که این کار را باب کرد، یکی از تبع های یمن بنام ابوبکر اسعد بود که آن را با پرده ای نقره باف پوشانید، پرده ای که حاشیه آن با نخ های نقره ای بافته شده بود. بعد از تبع نامبرده، جانشینانش این رسم را دنبال کردند، و سپس مردم بسا رواندازهای مختلف آنرا می پوشانند، بطوری که این پارچه ها روی هم قرار می گرفت و هر جامه ای می پوشید، یکی دیگر روی آن می انداختند. تا زمان قسی بن کلاب رسید، او برای تهیه پیراهن کعبه کمکی سالیانه بعهده عرب نهاد (و بین قبائل سهمی قرار دارد) و رسم او همچنان در فرزندانش باقی بود، از آن جمله ابوریعنه بن مغیره یکسال این جامه را می داد و یکسال دیگر قبائل قریش می دادند.

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله آن جناب کعبه را با پارچه های یمانی پوشانید و این رسم همچنان باقی بود، تا سالی که خلیفه عباسی به زیارت خانه خدا رفت، خدمت بیت از تراکم پارچه ها بر پشت بام کعبه شکایت کردند و گفتند: مردم اینقدر پارچه بر کعبه می ریزند که خوف آن هست، خانه خدا از سنگینی فرو بریزد. مهدی عباسی دستور داد همه را بردارند، و به جای آنها، فقط سالی یک پارچه بر کعبه بیاویزند. که این رسم همچنان تا امروز باقی مانده و البته خانه خدا، پیراهنی هم در داخل دارد. و اولین کسی که داخل کعبه را جامه پوشانید، مادر عباس بن عبدالمطلب بود، که برای فرزندش عباس نذر کرده بود.

### مقام و منزلت کعبه

کعبه در نظر امت های مختلف مورد احترام و تقدیس بود. مثلاً هندیان آنرا تعظیم می کردند و معتقد بودند به اینکه روح «سیفا» که به نظر آنان اقنوم سوم است، در حجرالاسود حلول کرده، و این حلول در زمانی واقع شده که سیفا با همسرش از بلاد حجاز دیدار کردند.

و همچنین صابئینی از فرس و کلدانیان، کعبه را تعظیم می کردند، و معتقد بودند که کعبه یکی از خانه های مقدس

هفتگانه است. که دومین آن مارس است، که بر بالای کوهی در اصفهان قرار دارد. و سوم، بشای مندوسان است که در بلاد هند واقع شده است. چهارم نویهار است که در شهر بلخ قرار دارد. پنجم بیت غمدان که در شهر صنعاء است، و ششم کاوسان می باشد که در شهر فرغانه خراسان واقع است. و هفتم خانه ای است در بالاترین شهرهای چین و گفته شده که کلدانیان معتقد بودند کعبه خانه زحل است، چون قدیمی بوده و عمر طولانی کرده است.

فارسیان هم آن را تعظیم می کردند، به این عقیده که روح هرمز در آن حلول کرده. و بسا به زیارت کعبه نیز می رفتند. یهودیان هم آن را تعظیم می کردند، و در آن خدا را طبق دین ابراهیم عبادت می کردند، و در کعبه صورت ها و مجسمه هایی بود، از آن جمله تمثال ابراهیم و اسماعیل بود که در دستشان چوب های از لام داشتند. و از آن جمله صورت مریم عذراء و مسیح بود، و این خود شاهد بر آن است که هم یهود کعبه را تعظیم می کرده و هم نصارا.

عرب هم آن را تعظیم می کرده، تعظیمی کامل و آن را خانه ای برای خدای تعالی می دانسته و از هر طرف به زیارتش می آمدند. و آن را بنای ابراهیم می دانسته، و مسأله حج جزء دین عرب بوده که با عامل توارث در بین آنها باقی مانده بود.

### تولیت کعبه

تولیت بر کعبه در آغاز با اسماعیل و پس از وی با فرزندان او بوده، تا آنکه قوم جرهم بر دودمان اسماعیل غلبه یافت و تولیت خانه را از آنان گرفته و بخود اختصاص داد، و بعد از جرهم این تولیت به دست عمالقه افتاد که طایفه ای از بنی کرکر بودند و با قوم جرهم جنگها کردند. عمالقه همه ساله در کوچهای زمستانی و تابستانی خود در پائین مکه منزل می کردند. همچنانکه جرهمی ها در بالای مکه منزل بر می گزیدند.

با گذشت زمان دوباره روزگار به کام جرهمی ها شد و بر عمالقه غلبه یافتند، تا تولیت خانه را بدست آوردند، و حدود سیصد سال در دست داشتند، و بر بنای بیت و بلندی آن اضافاتی نسبت به آنچه در بنای ابراهیم بود پدید آوردند.

بعد از آنکه فرزندان اسماعیل زیاد شدند و قوت و شوکتی پیدا کردند و عرصه مکه بر آنان تنگ شد، ناگزیر در صدد برآمدند تا قوم جرهم را از مکه بیرون کنند که سرانجام با جنگ و ستیز بیرونشان کردند. در آن روزگار، بزرگ دودمان اسماعیل، عمرو بن لحي بود که کبير خزاعه بود، بر مکه استیلا یافته، متولی امر خانه خدا شد، و این عمرو همان کسی است که بت‌ها را برپام کعبه نصب نموده و مردم را به پرستش آنها دعوت کرد و اولین بتی که برپام کعبه نصب نمود، بت «هبل» بود که آن را از شام با خود به مکه آورد و برپام کعبه نصب کرد، و بعدها بت‌هایی دیگر آورد، تا عتقه بت‌ها زیاد شد، و پرستش بت در بین عرب شیوع یافت و کیش حنفت و یکتاپرستی یکباره رخت بریست. در این باره است که «شحنة بن خلف جرهمی»، «عمرو بن لحي» را خطاب کرده و می‌گوید:

يا عمرو انك قد احدثت آلهة شتى بعكة حول البيت انصاباً  
وكان للبيت رب واحد ابدأ فقد جعلت له في الناس ارباباً  
لتمعرفن بان الله في مهل سبصطفى دونكم للبيت حجاباً<sup>۱</sup>

ولایت و سرپرستی خانه تا زمان حلیل خزاعی همچنان در دودمان خزاعه بود که حلیل این تولیت را بعد از خودش به دخترش همسر قصی بن کلاب واگذار نمود، و اختیار باز و بسته کردن در خانه و به اصطلاح کلیدداری آن را به مردی از خزاعه بنام ابوغبشان خزاعی داد. ابوغبشان این منصب را در برابریک شتر و یک ظرف شراب، به قصی بن کلاب فروخت. و این عمل در بین عرب مثلی سائر و مشهور شد که هر معامله زیان‌بار و احمقانه را به آن مثل زده و می‌گویند: «أختر من صفقة أبي غبشان».<sup>۲</sup>

در نتیجه سرپرستی کعبه به تمام جهاتش به قریش منتقل شد و قصی بن کلاب بنای خانه را تجدید نمود که قبلاً به آن اشاره کردیم، و جریان به همین منوال ادامه یافت، تا رسول خدا صلی الله علیه و آله مکه را فتح نمود و داخل کعبه شد و دستور داد عکسها و مجسمه‌ها را محو نموده، بت‌ها را شکستند و مقام ابراهیم را که جای دو قدم ابراهیم در آن مانده و تا آن روز در

داخل ظرفی در جوار کعبه بود برداشته در جای خودش که همان محل فعلی است دفن نمودند و امروز بر روی آن محل قبه‌ای ساخته شده دارای چهار پایه، سقفی بر روی آن پایه‌ها، و زائرین خانه خدا بعد از طواف، نماز طواف را در آنجا می‌خوانند. روایات و اخبار مربوط به کعبه و متعلقات دینی بسیار زیاد و دامنه‌دار است و ما به این مقدار اکتفا نمودیم، آنهم به این منظور که خوانندگان آیات مربوط به حج و کعبه به آن اخبار نیازمند می‌شوند.

و یکی از خواص این خانه که خدا آن را مبارک و مایه هدایت خلق قرار داده، این است که احدی از طوائف اسلام، درباره‌شان آن اختلاف ندارد.<sup>۳</sup>

### تذکری درباره ولادت حضرت فاطمه علیها السلام

جمعی از مورخان و محدثان اهل سنت، ولادت حضرت فاطمه علیها السلام را نیز جزء حوادث سال تجدید بنای کعبه یعنی سی و پنجاالگی عمر رسول خدا (ص) نوشته و ثبت کرده‌اند، ولی طبق تحقیقی که ما در تاریخ زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام داشته و شمه‌ای از آنرا در همان کتاب تاریخ زندگانی آنحضرت برشته تحریر در آورده‌ایم، ولادت آن بانوی بزرگوار اسلام در سال پنجم بعثت رسول خدا و پس از ظهور اسلام بوده، و انشاء الله در دنباله این سلسله مقالات نیز در جای خود یعنی در حوادث پس از بعثت رسول خدا (ص) و سال پنجم بعثت دلیل‌های طرفین، و اثبات آنرا از روی دلیل‌ها و شواهدی که داریم از نظر شما می‌گذرانیم، و از اینرو در اینجا وقت خود و شما را نمی‌گیریم، و بهمین مقدار تذکر در این باره اکتفا خواهیم کرد.

۱- ای عمرو، این توبودی که خدایاتی گوناگون اطراف بت پدید آورده و نصب کردی. خانه خدا، رتی و احد و جاودانه داشت، این توبودی که مردم را به شرک و پرستش ارباب گوناگون واداشتی.

بزودی خواهی فهمید که خدای تعالی، در آینده نزدیکی، از غیر شما، پرده‌داری برای بت انتخاب خواهد کرد.

۲- (این معامله) زیان بارتر از معامله ابی غبشان است.

۳- ترجمه تفسیر المیزان. چاپ جامعه مدرسین. ص ۵۵۴-۵۶۱.